



## ضرورت عبور از بحران هسته‌ای

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه و اعلموا ان الله شدید العقاب  
(انفال ۲۵)  
و بترسید از فتنه‌ای که تنها ستمکاران را در بر خواهد گرفت و بدانید  
که خدا به سختی عقوبت می‌کند.

هم میهنان عزیز

کشور عزیزمان بار دیگر با بحرانی بزرگ و سرنوشت‌ساز روبرو شده است، بحرانی که ابعاد و دامنه‌های آن، در صورت پیشگیری نکردن از توسعه آن، به مراتب از بحران‌های گذشته - همچون گروگانگیری و ادامه جنگ تحمیلی بعد از فتح خرمشهر - عظیم‌تر و برای منافع و مصالح ملی خطرناک‌تر است.

نهضت آزادی ایران بار دیگر بر این نکته تأکید و تصریح می‌کند که ایران به عنوان عضو ان.پی.تی، مانند هر کشور دیگر، حق دارد که درصدد کسب دانش و فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز باشد و هیچ کشور، نهاد و قدرتی نمی‌تواند ایران را از این حق طبیعی و قانونی شناخته شده باز دارد. اما ایران در عین حال پادمان را پذیرفته و نسبت به رعایت مقررات آن در فعالیتهای هسته‌ای متعهد است. ایران پروتکل الحاقی را نیز پذیرفته و امضا کرده است، اگر چه این پذیرش هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران را به «پنهان‌کاری» فعالیتهای هسته‌ای خویش و کوتاهی در گزارش این فعالیتهای به آژانس بر طبق مفاد پادمان متهم ساخته است. در پاسخ، ایران قصور در دادن گزارش و اصلاح گزارشها را پذیرفته ولی پنهان کاری را انکار کرده است. اگرچه سخنگوی شورای عالی امنیت ملی ایران آغاز فعالیتهای هسته‌ای جدید ایران را مربوط به ۱۷-۱۸ سال پیش می‌داند، آژانس و اعضای قدرتمند آن از راه‌حل‌های دیگری به این فعالیتهای پی برده و ایران را مورد سؤال قرار داده‌اند. متأسفانه، مقامات مسئول ایران

در سال‌های اخیر پاسخ‌های متفاوت و بعضاً متناقضی به پرسش‌های آژانس داده‌اند که نه تنها قانع کننده نبوده، بلکه بر جو بدبینی و بی‌اعتمادی بسی افزوده است، به گونه‌ای که امروز محور اصلی بحران روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اتحادیه اروپا - که آن را با صراحت بیان کرده‌اند - نبود اعتماد نسبت به مقاصد ایران و ضرورت اعتماد سازی از سوی ایران است. البته بی‌اعتمادی‌های متقابل چندجانبه هم وجود دارد. دولت آمریکا در مورد فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای جهان معیارهای دوگانه دارد. مثلاً در حالی که با فعالیت‌های هسته‌ای ایران شدیداً مخالف است، از اسرائیل با وجود دارا بودن زرادخانه بزرگ سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کند و در برابر سلاح‌های هسته‌ای پاکستان و هند تا کنون با چشم‌پوشی برخورد کرده است. اما در هر حال، سیاست خارجی ایران و ادامه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای آن باید در چارچوب منافع و مصالح ملی و نه در تقابل با روش‌ها و سیاست‌های خصمانه و معیارهای دوگانه دولتهای دیگر تنظیم و اجرا شود.

سیاست ایران در چند سال اخیر پرهیز از تشدید بحران، از راه مذاکره با اتحادیه اروپا، بوده است. این سیاست اگر چه به طور کامل منجر به عبور ایران از بحران نشد، اولاً جو تفاهمی با اتحادیه اروپا و آژانس پدید آورد و ثانیاً مانع اتفاق نظر اتحادیه اروپا و آمریکا گردید. این وضعیت به برخی دیگر از اعضای شورای حکام آژانس، مانند چین، روسیه، هند و آفریقای جنوبی امکان مانور سیاسی و پرهیز از تایید عملی و شفاف مواضع آمریکا را می‌داد. اما پس از روی کار آمدن دولت جدید ایران، با تغییر کامل اعضای گروه گفتگو کننده و اعلام یا تبلیغ برخی مواضع تند و غیرواقع‌گرایانه، مانند تجدید فعالیت تاسیسات نطنز، تهدید به خروج از ان.پی.تی و پس گرفتن امضای اولیه پروتکل الحاقی، نه تنها جو تفاهمی که پدید آمده بود از میان رفت، بلکه بر دامنه بی‌اعتمادی‌ها نیز افزوده شد.

ناکارآمدی سیاست دولت جدید در نگاه به شرق و باز کردن حساب تعاملات اقتصادی-سیاسی با هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی، به منظور جلب پشتیبانی آنان در برابر آمریکا و اروپا، با آخرین اقدام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به خوبی نشان داده شد. به کارگیری این سیاست نشان‌دهنده نداشتن درک واقع‌بینانه از شرایط حاکم بر مناسبات جهانی بود. آنچه نادیده گرفته شد یا بهای چندانی به آن داده نشد این است که رفتارهای سیاسی-اقتصادی کشورها در مناسبات جهانی نه معطوف به ایمان، بلکه مبتنی بر منافع و مصالح ملی آنها است. بنابر این، بدون هرگونه ابهام یا ابهامی قابل پیش‌بینی بود که در صورت رویارویی جدی ایران با آمریکا و اتحادیه اروپا، کشورهای یاد شده جانب ایران را نخواهند گرفت. بی‌توجهی به این واقعیت‌ها است که برخی از سخنگویان جریان غالب را وادار به اظهارنظرهای ضد و نقیض درباره بعضی از کشورها - از «دوست صدیق ایران، با داشتن سوابق فرهنگی تاریخی» تا «نوکر صهیونیسم» و «آلت دست استعمار بریتانیا» - ساخته است.

قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دو نظر قابل توجه است. نخست این که ترکیب آراء حکام نادرستی محاسبات تحلیگران و سیاستمداران جناح تندرو در ایران را نشان داد، دوم آن که هم در گفتار رئیس آژانس و هم در متن قطعنامه آمده است که صدور این قطعنامه به معنای دادن «آخرین فرصت» به ایران است تا با تداوم گفتگو با شورای حکام، همانند گفتگو با آژانس و اتحادیه اروپا، بتواند از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد جلوگیری کند.

اکنون، به اصطلاح توپ در زمین ایران است. تصمیم گیرندگان سیاست‌های هسته‌ای ایران چه گزینه‌هایی در پیش رو دارند و کدام گزینه حافظ منافع و مصالح ملی ایران خواهد بود؟

برپایه واکنش‌هایی که در روزهای پس از تصویب قطعنامه از سوی جریان حاکم نشان داده شده است، گزینه محتمل این خواهد بود که حاکمان به استقبال رویارویی بروند و به کارهای تندی که به صورت‌های گوناگون بیان شده است دست‌بزنند. در اینصورت، بحران نتنها فروکش نخواهد کرد، بلکه بر ابعادش افزوده خواهد شد و انزوای ایران در جامعه جهانی و اتفاق نظر علیه ایران به مراتب بیش از گذشته رخ خواهد نمود. پیش‌بینی پیامدهای نگران کننده و خطرناک چنین گزینه‌ای چندان دشوار نیست. ولی گزینه‌های دیگری قابل تصور و توجه است.

**نهضت آزادی ایران**، بنابر احساس وظیفه دینی و ملی و مسئولیت در برابر ملت، یادآوری نکات زیر را به حاکمان و تصمیم‌گیرندگان کشور لازم می‌داند و امیدوار است که مفید واقع گردد:

۱- ایران می‌تواند، در فرصت کوتاهی که وجود دارد، با استفاده از ظرافت‌های دیپلماتیک و پیشنهادهای جدید، شرایط اتحادیه اروپا را بر اساس توافقنامه‌های پارس و سعدآباد بپذیرد و بحران کنونی را پشت سر گذارد.

۲- با توجه به اینکه ایران تنها یک نیروگاه هسته‌ای در دست ساختمان دارد که هنوز هم به کار نیافتاده است و تأسیسات غنی سازی اورانیوم در صورت اتمام بیش از نیاز این نیروگاه باشد، با قبول شرایط اتحادیه اروپا، ایران خواهد توانست شرایط مناسب برای راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای هزار مگاواتی بوشهر را - که در ۳۵ سال گذشته، میلیاردها دلار هزینه آن شده است- فراهم سازد. دولت روسیه ناگزیر از اجرای تعهداتش در رابطه با تکمیل و تحویل نیروگاه خواهد بود و می‌توان امیدوار بود که پس از گذشت چهار دهه، انرژی این نیروگاه سر انجام به شبکه برق کشورمان وارد شود.

۳- با توجه به سرمایه‌گذاری عظیم ایران در تأسیسات هسته‌ای جدید و ضرورت حفظ و به کارگیری آنها، در صورتی که ایران در دعوت خود از دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی خارجی به مشارکت در فعالیت هسته‌ای ایران، از جمله تولید مستقل سوخت هسته‌ای و تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای جدید جدی است، فضای مساعدی

که پس از رسیدن به تفاهم و توافق با آژانس بین‌المللی و عبور از بحران پدید خواهد آمد می‌تواند زمینه مناسبی برای اجرای این برنامه را فراهم کند و امکان عملی شدن پیشنهاد آقای احمدی‌نژاد را بسیار افزایش دهد.

۴- جریان حاکم تنها با عبور از این بحران خواهد توانست به پیگیری و اجرای برنامه‌های اقتصادی خویش، که آنها را در راستای اهداف چشم انداز بیست ساله می‌داند، امیدوار باشد.

هنگامی که چشم انداز بیست ساله توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و با امضای مقام رهبری به رئیس قوه مجریه ابلاغ گردید، اعلام شد که برنامه‌های پنج ساله توسعه بایستی در راستای تحقق اهداف چشم انداز ۲۰ ساله تدوین شود. اگر چه ما این چشم انداز را واقع‌بینانه تشخیص نداده‌ایم، آن را گامی مثبت تلقی کردیم. زیرا برای نخستین بار، بعد از ۲۴ سال سرانجام حاکمان صاحب عزم اعلام کردند که چه اهداف و برنامه‌هایی دارند و وعده دادند که کشورمان با اجرای آنها از روزمرگی به درخواهد آمد.

اگر چه رؤسای سابق و اسبق جمهوری، زیر مجموعه نهاد رهبری بودند و رئیس اسبق جمهوری، رئیس مجمع تشخیص مصلحت، از تدوین کنندگان چشم انداز بیست ساله نیز هست، طرح‌هایی به منظور یکدستی و هماهنگی سه قوه به اجرا گذارده شد و دولت جدید با ویژگی‌های خاص بر سر کار آمد. جریان جدید حاکم، بر خلاف دولت خاتمی، به جای توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی عدالت محور تکیه کرده است.

معنا و مفهوم علمی تدوین برنامه‌های درازمدت باهدفهای کلان این است که سیاست‌های ملی و بین‌المللی کشور باید در خدمت این اهداف و برنامه‌ها و تابع آنها باشد. در صورت تشدید یا تداوم بحران کنونی و انتخاب گزینه رویارویی با جامعه جهانی، آیا پیامدهای احتمالی آن امیدی به اجرای برنامه‌های اعلام شده اقتصادی باقی خواهد گذاشت؟

**نهضت آزادی ایران** درباره خطر توسعه بحران هسته‌ای به تصمیم‌گیرندگان، مسئولان و دست‌اندرکاران مشفقانه انداز می‌دهد و توصیه می‌کند که با پرهیز از هر گونه افراط کاری و با خردورزی و سعه‌صدر، بحران کنونی را پشت سر گذارند و خطرات محتمل را دفع کنند.

**نهضت آزادی ایران**